

۲۴۸۷

۱۳۹۷/۸/۲



نهضت آزادی ایران

۱۳۴۰

## بیانیه نهضت آزادی ایران پیرامون وقایع منزل دکتر علی اصغر غروی در اصفهان

بسمه تعالی

ارزیابی پیامدهای حمله به منزل دکتر غروی

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ (نحل - ۹۰)

هموطنان عزیز

دردمندان به اطلاع می‌رساند که در دهم مهرماه ۹۷، نیروهای امنیتی و قضائی، به محل سکونت آقای دکتر سیدعلی اصغر غروی، یکی از روشنفکران دینی به نام کشور و از اعضای شورای مرکزی نهضت آزادی ایران حمله برده و به نحوی بی سابقه،

به آزار و ایجاد فضای رعب برای ساکنان پرداختند و موجبات اقدامات قانون شکنانه‌ای را فراهم آوردند. البته چنین اقدامات نسنجیده علیه این شخصیت فرهنگی و سیاسی در گذشته نیز، بارها روی داده است، اما آنچه این رخداد را از دفعات پیشین متمایز می‌کند این است که نیروهای امنیتی با یورش به منزل ایشان، درها را شکسته و جمعی از مهمان‌ها را بازداشت کردند و انبوهی از آثار و کتب و تجهیزات مرتبط با تولیدات فرهنگی و اسناد تاریخی نهضت آزادی را با خود بردند. این اقدام، نقض آشکار اصول قانون اساسی و حقوق شهروندی است. ایذاء و ایجاد محدودیت برای دکتر غروی و دیگر نواندیشان دینی به طوری معمول گشته که اعتراض به آن، کمترین وظیفه انسان‌های منصف و دلسوز است. خوشبختانه در ارتباط با این حادثه، جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، افراد و جریان‌های مختلف اعتراض و واکنش مناسب با موضوع داشتند که بدین وسیله از همه آنان قدردانی و سپاسگزاری می‌کند.

ارزیابی این واقعه و ریشه‌یابی این گونه برخوردهای ناصواب و غیرقانونی با دکتر غروی و سایر نواندیشان دینی و دگراندیشان سیاسی، می‌تواند عاملی در راستای گسترش آگاهی‌های عمومی محسوب شده و موجبات عدم تکرار چنین وقایعی در آینده را فراهم آورد. اما سؤال اصلی این است که چرا شخصیت‌هایی امثال بازرگان، یزدی، غروی و ... که سابقه‌ای جز خدمت به ایران و اسلام ندارند و سالیان عمر خود را مصروف به رسالت آگاهی‌بخشی و خیرخواهی در حوزه دین و سیاست کرده‌اند، در حکومتی با عنوان جمهوری اسلامی، مغضوب واقع شده و در معرض چنین رفتارهایی قرار می‌گیرند؟ رویکرد امنیتی در قبال عقیده شهروندان از کجا نشأت می‌گیرد؟

شاید بتوان پاسخ این پرسش بنیادین را در هراس جریانات اقتدارگرا از تحول اندیشه دینی در جهت مخالف با تفکر حاکم جستجو کرد. زیرا وقتی سیاست‌ها و اقدامات حکومت در قبال شهروندان، مبنی بر تفسیر خاص‌یاز اسلام و مبتنی بر قرائت حاکم صورت گیرد، سایر اندیشه‌ها اعم از دینی یا سیاسی، به رقیبی برای آن بدل می‌شوند؛ به ویژه اگر دیدگاه‌های رقیب، از ظرفیت بیشتری برای پذیرش از سوی مردم برخوردار باشند، طبیعی است که حساسیت‌ها فزونی یابند. در این راستا توجه به‌موارد زیر را ضروری می‌نماید:

• مقامات نظام باید بپذیرند که بیش و پیش از هر عامل دیگری، پیوند اقوام مختلف این سرزمین، منوط به ایرانی بودن آنها است، نه باور مشترک از سر اجبار به برداشت‌های تنگ‌نظرانه عده‌ای از دین. در کشوری که گذرگاه تاریخ بوده و از دیرباز تا کنون، پیروان ادیان و مذاهب گوناگون، چون زرتشت، یهودیت، مسیحیت، اسلام (اعم از شیعه و سنی) و مانند آنها، در آن ظهور و بروز داشته‌اند، آنچه عامل وحدت‌بخش ساکنان این سرزمین بوده است، ملیت واحد و هویت ایرانی آنها است. به عبارت دیگر، حتی «اسلامیت نظام» فرع بر «جمهوریت» آن است و اگر اکثریت ملت ایران مسلمان نبودند، زمینه اجتماعی و دلیلی وجود نداشت که ارزش‌های اسلامی در حاکمیت نظام جمهوری اسلامی متبلور شوند.

• تجربه بشری هم به دقت گواهی می‌دهد که حکومت‌هایی در طول تاریخ توفیق یافته‌اند که از تمامی ظرفیت‌های موجود در قلمروشان بهره‌مند شده باشند و زمانی این بهره‌مندی میسر است که حکومت‌ها از یک سو بیشترین میزان حقوق و آزادی‌های اساسی را برای تولید و نشر باورها و اندیشه‌های مختلف فراهم کنند و از دیگر سو، برای اقدام سیاسی، فضای آزاد و مناسب را ایجاد نمایند و نگاهشان به شهروندان، فارغ از عقیده، جنسیت و نژاد صورت گیرد. قرآن کریم راه را برای حل اینگونه مشکلات روشن کرده و می‌فرماید: «هیچ اکراهی در دین نیست؛ همانا راه رشد و تعالی از راه کج روشن شده است.» باز در آیه دیگر فرموده: «ما راه را به انسان نشان دادیم؛ خواه شکرگزار و خواه کفران‌کننده باشد». یا به پیامبرش می‌گوید «تو هیچ سبطه‌ای بر آنها نداری.»

• ضروری است مردم نیز آموزش ببینند و یاد بگیرند تا به حق آزادی اندیشه و بیان احترام بگذارند و به این حقیقت غیرقابل انکار ایمان آورده باشند که تمامی شهروندان یک کشور باید از چنین حقی برخوردار باشند تا نظام حاکم هم نتواند با کمترین هزینه، به قانون شکنی پردازد. اصلاح قدرت حاکم بدون اصلاح جامعه، میسر نخواهد شد. با وجود آن که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول شفافیت در ارتباط با آزادی بیان و اندیشه ذکر شده است، اما چون ساختار حقیقی قدرت، آنگونه که شایسته و ضروری است، متکی به باور، عمل و حمایت آحاد مردم نیست، التزام و عزمی هم از جانب برخی نهادهای حکومتی برای تحقق این حقوق و التزام به کرامت شهروندان ایرانی مشاهده نمی‌شود.

• قرآن کریم می‌فرماید: «همانا کسانی که ایمان آوردند و مؤمنان و یهودان و صائبان و مسیحیان، هر یک از آنها که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و کار شایسته انجام دهند، اجرشان نزد پروردگارش محفوظ است و بیم و اندوهی بر آنان نیست.» پیام آشکار این آیه و آیاتی از این دست که می‌تواند خطاب به ملت‌ها یا حکومت‌ها باشد این است که :

اختلاف نظرها در برخی جزئیات دینی را تبدیل به منازعات و جدال‌های خانمان برانداز نکنیم و تساهل و تسامح با دگراندیشان و دگرباوران را سرلوحه عمل خویش قرار دهیم.

• فرهنگ ملی و اسلامی ایرانیان در طول قرون به ایشان آموخته است که حتی در قبال شهروندانی که به ادیان ابراهیمی باور ندارند، این کلام شیخ ابوالحسن خرقانی، عارف مسلمان و بزرگ ایران را سرلوحه عمل خویش قرار دهند که :

«هر که در این سرا درآید، نانش دهید و از ایمانش مپرسید؛ چه آن‌کس که به درگاه خدا به جان ارزد، البته

بر خوان بوالحسن به نان ارزد.» این آموزه‌ها و ظرفیت‌های غنی فرهنگی به ما می‌آموزند که برخورد انسان‌محور را جایگزین برخوردهای فرقه‌محور، قوم‌محور و نژاد‌محور کنیم.

نهضت آزادی ایران با باور به دیدگاه‌های مترقی و انسان‌گرایانه قرآن کریم و فرهنگ ایرانی و اسلامی، از مقامات ذیربط می‌خواهد تا به ایجاد محدودیت و مزاحمت برای نواندیشان دینی و سایر افرادی که اعتقاداتشان متفاوت از قرائت رسمی حاکم است پایان دهند. همچنین ضمن محکومیت مجدد حمله به منزل دکتر سید علی اصغر غروی، پیامدهای این واقعه را سنگین ارزیابی می‌کند و از مقامات ذیربط می‌خواهد تا با پیگیری مجدانه، مختومه کردن پرونده‌های قضایی و امنیتی، و استرداد کامل اموال، اسناد تاریخی، یادداشت‌ها و کتاب‌ها که بالغ بر چندین کامیونت بوده است، زمینه‌های دلجویی و جبران

آسیب‌های وارد شده را فراهم آورند.

محمد توسلی

دبیرکل نهضت آزادی ایران

دوم آبان ۱۳۹۷